



بیانیه نیویورک؛ غیمتی مایه تاسف

گفت و گو با سید هادی برهانی

استناد مطالعات اسرائیل



رویا فروشی به دولت

وعده افتتاح ۲ هزار و ۴۰۰ پروژه آموزشی
از نگاه کارشناسان سازمان نوسازی مدارس



حزب بازی

بررسی ایجاد یک حزب جدید دیگر در جریان اصول گرا

در گفت و گو با افشین حبیب زاده



تب لبوبو در نزاع ایرانی ها

مصرف نمایشی کالاها ی فرهنگی در گفت و گو با نقی آزادارمکی و یادداشتی از عباس کاظمی

سرمقاله

فراتر از پول یافت

آقای پزشکبان با همان لحن منحصر به فرد خودش، بالاخره حقیقتی که همه انتظارش را داشتند گفت: «تا دل تان بخواهد مؤسسات و بنیادهایی داریم که هیچ برون دادی ندارند ولی پول به این ها می دهیم. خب! چرا باید به این ها پول بدهیم؟ کارمان شده فقط به یک مشت بنیاد و سازمان های الکی که به هیچ دردی نمی خورند پول بدهیم. گفتم آقایان این بساط باید جمع شود.» برخی افراد که تجربه قطع بودجه های این چنینی را دارند توصیه کردند که دولت دست به این بودجه ها نزند چون دینفعان آن، علیه آن قیام خواهند کرد. ولی به نظر ما اتفاقاً دولت باید مطابق یک قاعده منطقی این بودجه ها را قطع کند. به ویژه آقای پزشکبان حتماً این بخش از خطبه مشهور امام علی پس از خلافت را به یاد دارند که گفت، اموال را حتی اگر به نکاح زنان کرده باشند بر می گردانم. ما چنین انتظاری حد امام علی از ایشان نداریم و این را هم می دانیم که اگر هم در لایحه بودجه آنها را حذف کنند، این مجلس تندروها آنها را به لایحه بودجه بر می گرداند ولی انتظار داریم که حداقل در لایحه پیشنهادی دولت، این بودجه های بی ربط به مردم را قطع کند. اولین پرسش برای همه این است که چرا دولت تا این حد بزرگ است و نیروهای کم و بی کیفیت در آن زیاد هستند؟ ریشه همه اینها پول های نفت بود که دولت ها داشتند و بیایی دفتر و دستک و وظیفه جدیدی تعریف می کردند و بعد دوست و رفیق و فامیل و همشهری و هم حزبی خود را می آوردند و استخدام می کردند. کمترین خسارت آنها گرفتن پول حقوق بود. عوارض منفی آنها فراتر از این پول یافت بود. آنها کم سواد و بی تجربه بودند و مانع کار دیگران هم می شدند. سپس به یک اداره و نهاد تبدیل می شدند که امکان حذف هم نداشته باشند و ردیف بودجه مستقل می گرفتند. تا اینکه خدا خواست و پول نفت چنان کم شد که دیگر نتوانست چاله چوله های ساختگی را پر کند و بودجه دولت به روغن سوزی افتاد و ابتدا فشار را بر مالیات و افزایش نقدینگی آورد و حالا به فکر حذف آنهاست. در حالی که آنها جایهای خود را در ساختار سیاسی دارند و تا سر حد مرگ مقاومت می کنند. چه کار باید کرد؟ چند پیشنهاد برای آقای پزشکبان داریم. اول از همه خیلی صریح و روشن بودجه را عملیاتی و عملکردی کنید. در این روش بودجه ریزی به جای تمرکز بر ارقام هزینه ها و حقوق، بر روی نتایج و دستاوردهای برنامه ها تأکید دارد. مثلاً ده ها و صدها هزار میلیارد تومان است که به دستگاه های دینی یا رسانه ای پرداخت می شود تا اهداف مشخص و قابل سنجشی را محقق کنند در این صورت باید بودجه بر اساس عملکردهای آنان پرداخت شود. آنگاه باید پاسخ دهند که چرا این داری در جامعه مادر حال افول است یا چرا اثرگذاری و مخاطبان رسانه رسمی به نسبت عکس بودجه دریافتی به قهقرا می روند؟ یک راه حل جدی این است که نیروهای اضافی را بفرستید خانه و ادارات آنها را منحل کنید ولی حداقل حقوق را تا زمانی که بیکار هستند دریافت کنند. حداقل در مصرف جابا آب و برق و گاز ده ها عامل دیگر صرفه جویی خواهد شد و مهم تر از همه کارایی دولت هم بیشتر می شود. در هر صورت بودجه های عمرانی این دستگاه های بی خاصیت را به طور کامل قطع کنید. در واقع در این نوع بودجه ریزی، بودجه عمرانی بلاموضوع می شود و جای آن را بودجه عملکردی و تحقق اهداف و مأموریت ها خواهد گرفت. آقای پزشکبان! انتظار نداریم مثل امام علی عمل کنید ولی می توانید این بودجه های یافت را صرف کاهش استقرار از بانک مرکزی کنید. استقرار از بانک مرکزی اصطلاح غلطی است. زیرا قرض البس نده است و نوعی دست کردن در جیب فقرا و مردم عادی است. حداقل این بودجه را ببرید در نهضت مدرسه سازی که با توجه به گزارش امروز هم میهن بعید است تا ده سال دیگر هم بتوان آن را به سرانجام رساند.

چین و روسیه:

**به تجارت با ایران
ادامه می دهیم**

**فرانسه:
ایران هنوز
یک هفته
فرصت دارد**

شورای امنیت با قطعنامه

ادامه لغو تحریم های ایران موافقت نکرد

نقطه، سرخط

بازگشت به تحریم های سازمان ملل

گزارش
دیپلماسی
۲۳

آرای منفی

آمریکا، انگلیس، فرانسه، سومالی، اسلوانی
سیرالئون، دانمارک، یونان و پاناما



آرای مثبت

روسیه، چین، پاکستان و الجزایر



آرای ممتنع

کره جنوبی و گویان

